



ایران جشنواره شماره ۶  
(ضمیمه روزنامه ایران)  
دیراجرای: جواد عبدی  
صاحب امتیاز:  
خبرگزاری جمهوری اسلامی  
مدیر مسئول:  
مهدی شفیعی  
سر دبیر: جواد دلیری

دبیر ویژه نامه: ندا انتظامی  
دبیر عکس: ابوالفضل نسایی  
مدیر فنی: حجت حکیمی  
صفحه آرایی: محمد عباس پور، دنیا حق شنو و مهدی بخشی  
ویراستاری و حروفچینی: گروه ویراستاری و حروفچینی «ایران»  
لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

به بهانه حضور آیدا پناهنده با «تی تی» در جشنواره و نقش آفرینی حامد بهداد در «گیجگاه»

محدثه واعظی پور  
روزنامه نگار

## رنگین کمان نقش های متنوع

نمایش «آخر بازی» (همایون اسعدیان) در نوزدهمین جشنواره فیلم فجر، پدیده ای را به سینمای ایران معرفی کرد که در سال های بعد، یکی از مهم ترین و محبوب ترین ستاره های سینمای ایران شد. جوانی که نقش پویا را در فیلم اسعدیان بازی می کرد، در همان نمایش های جشنواره ای مورد توجه قرار گرفت و نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد. دو سال بعد، بازی اش در نقش مهرداد، فوتبالیست به آخر خط رسیده و معتاد فیلم «بوتیک» (حمید نعمت الله)، توجه سینمای ایران را به این استعداد تازه از راه رسیده جلب کرد. حامد بهداد در دهه هشتاد، تصویرگر سیمای جوانان معترض و عاصی بود، این تصویر تازه، برای سینمادوستان جذابیت داشت؛ با این همه، بهداد همواره کوشیده با انتخاب های دور از هم، قدرت بازیگری اش را نشان بدهد. بهداد در سال های اخیر، تلاش کرده به نقش هایش تنوع بدهد، کم کارتر از قبل شده، اما کیفیت کارش را حفظ کرده است. این نقش آفرینی ها جوایز داخلی و خارجی بسیاری برایش به ارمغان آورده و باعث شده او همچنان یکی از مهم ترین بازیگران امروز سینمای ایران باشد. درخشش در «قصر شیرین» که تندیس بهترین بازیگر مرد جشن منتقدان سینمای ایران را برایش به همراه آورد، بازی خوب در «سد معبر» (محسن قرائی)، حتی نقش آفرینی متفاوتش در «نیمه شب اتفاق افتاد» (تینا پاکروان) عیار بازیگری او را که همواره متهم بوده در نقش هایی خاص قدرت جلوه گری دارد، نشان می دهد. بهداد این سال ها، رنگین کمانی از نقش ها را بازی کرده، به شخصیت هایی از طبقه های اجتماعی مختلف و در موقعیت های

دور از هم جان داده و بازی اش در همه این فیلم ها، دیدنی است؛ میان مسعود در «آرایش غلیظ» (حمید نعمت الله) و نعیم در «جان دار» (پدرام پورامیری، حسین امیری دوماری) دنیایی تفاوت وجود دارد که بهداد در بازی و حرکاتش متجلی کرده است؛ از حامد آبان سرخوش در «نارنجی پوش» (داریوش مهرجویی) تا محسن «سعادت آباد» که آمیزه ای از شیطنیت، طنازی و منفعت طلبی است، فاصله بسیار است. بهداد هم در فیلم های کمدی بازی کرده، هم در فیلم های تلخ اجتماعی. با کارگردان های جوان و فیلم اولی و کارگردان های باتجربه همکاری کرده و دستاورد این تجربه گرایی و جسارت، موفقیت بوده است. سینمای ایران، ستاره هایی دارد که از بازی در نقش های منفی پرهیز می کنند، آنها نگران هستند مبادا بازی در نقش هایی که رگه های منفی دارد بر محبوبیتشان تأثیر بگذارد، اما بهداد این خط کشی ها و مرزبندی ها را برای خود قائل نیست. دشوارترین نقش ها و پرچالش ترین آنها را بازی کرده و گاه موفق بوده و گاه تلاشش، فرجامی که شایسته نام و کارنامه اوست، نداشته است. بازی در نقش جلال، در «قصر شیرین» یکی از همین چالش ها بوده که بهداد به فرصتی برای درخشیدن تبدیل کرده است. در حالی که فیلم، فرصتی برای همدلی با این مرد نمی گذارد، بهداد، نقش را طوری بازی کرده تا این مرد سنگدل، منفور به نظر

نرسد. مسعود در «آرایش غلیظ» که جلوه شرارت است، از جنس دیگری است و به رستگاری نمی رسد؛ در کنار این کاراکترهای تلخ و منفی، او در «زندگی جای دیگری است» (منوچهر هادی) یا «مارموز» (کمال تبریزی) دو جنس دیگر از بازیگری را به نمایش می گذارد و در هر دو موفق است. بهداد در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر با فیلم «گیجگاه» (عادل تبریزی) حضور دارد. او در این فیلم کمدی، گرمی متفاوت دارد و برای چندمین بار با باران کوثری همبازی شده است؛ با توجه به حضور مؤثر فیلم اولی ها در جشنواره امسال، به نظر می رسد «گیجگاه» و بازیگرانش دیده شوند. شاید، این بار با وجود رقبای سرسختی که در بخش بازیگری مرد وجود دارد، حامد بهداد دوباره سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد را به دست آورد، سیمرگی که سال ها از او دریغ می شد تا بالاخره با «جرم» روی دستانش آرام گرفت.

سینمای ایران، ستاره هایی دارد که از بازی در نقش های منفی پرهیز می کنند، آنها نگران هستند مبادا بازی در نقش هایی که رگه های منفی دارد بر محبوبیتشان تأثیر بگذارد، اما بهداد این خط کشی ها و مرزبندی ها را برای خود قائل نیست.

## راوی دنیای زنان

«ناهید» نام کارگردان جوانی را سر زبان انداخت که پیش از نخستین فیلم بلند سینمایی اش، در فضای ادبیات و سینما تنفس کرده بود. آیدا پناهنده قبل از آنکه به سینمای حرفه ای ورود کند، بسیار سیاه مشق کرده بود. فیلم کوتاه ساخته بود، داستان و فیلمنامه نوشته بود و آهسته آهسته برای رسیدن به سینمای بلند تجربه کسب کرده بود؛ یکی از فیلم های تلویزیونی موفق او «قصه داوود و قمری» (با بازی هومن سیدی و حدیث میرامینی) بود. فیلمی با فضایی متفاوت نسبت به اغلب فیلم های تلویزیونی، با شخصیت هایی جذاب و روابطی واقعی. به شهادت همین کارنامه و پیش از «ناهید» می شد حدس زد این بانوی جوان، در آینده ای نه چندان دور از چهره های شاخص سینمای ایران می شود. شاید به دلیل همین تجربه ها، «ناهید» به عنوان یک فیلم اول، با وجود کم و کاستی ها، فیلمی متقاعدکننده و امیدبخش از کار در آمد؛ فیلمی که دنیای زنانه را به شکلی باورپذیر به تصویر می کشید، زن را موجودی ضعیف و قابل ترحم نمی دانست و نقش جامعه در وضعیت زنان را بدون آنکه شعار بدهد مطرح می کرد. تصمیم ناهید (ساره بیات) برای انتخاب فرزندش، بیش از آنکه محصول ضعف باشد، حاصل عشق به فرزند است؛ در «اسرافیل» دومین فیلم پناهنده، باز هم شاهد روایت قصه ای زنانه هستیم. شخصیت اصلی فیلم بهروز (پژمان بازغی) برای ازدواج با دختری جوان به ایران برمی گردد، ماهی (هدیه تهرانی) که زمانی بهروز دبسته او بوده، حالا مادری فرزند از دست داده است؛ در «اسرافیل» هم، ماهی است که با وجود علاقه به بهروز، از سر راه مرد کنار می رود تا او زندگی تازه اش را با سارا (هدی زین العابدین) آغاز کند. «اسرافیل» شبیه به

«ناهید» است، قصه در شمال ایران روایت می شود، اما فیلمساز حرفه ای تر شده و فیلم دوم پخته تر است. بخشی از شهرت آیدا پناهنده به دلیل جوایز مختلفی است که فیلم هایش در جشنواره های بین المللی به دست آورده اند. «ناهید» موفق به دریافت جایزه «آینده نویدبخش» از جشنواره فیلم کن ۲۰۱۵ در بخش نوعی نگاه شد که به معرفی این فیلمساز جوان کمک کرد. اما این، همه موفقیت فیلم نبود. «ناهید» در جشنواره های مختلف در ژاپن، سوئد، کردستان عراق و امریکا روی پرده رفت و از اغلب این جشنواره ها با دست پر بازگشت. این جایزه ها مسیر فیلمسازی پناهنده را هموارتر از گذشته کرد.

«اسرافیل» که در سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر روی پرده رفت، تقریباً نادیده گرفته شد، اما این فیلم هم در جشنواره هایی در آسیا، اروپا و امریکا نمایش داده شد و جوایزی نصیب سازنده اش کرد. پناهنده پس از «اسرافیل»، فیلم «پاییز نیکایدوها» را در ژاپن ساخت. این فیلم که محصول مشترک ژاپن و هنگ کنگ است، در ایران روی پرده نرفته است. او امسال با «تی تی» به سی و نهمین جشنواره فیلم فجر آمده است. پناهنده در این مدت کوتاه به یکی از سینماگران زن شاخص تبدیل شده و فیلمش در جشنواره ای که دو فیلمساز زن دیگر (نرگس آبیار و فرونش صمدی) حضور دارند، یکی از بخت های دریافت

جایزه است. «تی تی» ترکیب بازیگران کنجکاوی برانگیز دارد. الناز شاکردوست، هوتن شکیبا و پارسا پیروزفر در این فیلم بازی کرده اند. ارسلان امیری همسر پناهنده که در فیلم های قبلی، همراه او بوده فیلمنامه این فیلم را نوشته و مانند دو ساخته قبلی پناهنده، اینجا هم با یک شخصیت زن و مسائل و مشکلاتش مواجه هستیم. پناهنده در گفت و گوهایش به علاقه اش به سینمای رخشان بنی اعتماد اشاره کرده است، یکی از مهم ترین بانوان سینماگر پس از پیروزی انقلاب که در سال های اخیر کم کار شده است، اگرچه هیچ یک از فیلم های پناهنده به آثار بنی اعتماد شبیه نیست، اما ظرافت در پرداختن به موقعیت زنان و نزدیک شدن به احوال درونی آنها امتیازی است که سینمای پناهنده دارد، همان طور که سینمای بنی اعتماد همیشه این ویژگی را داشت.

اگرچه هیچ یک از فیلم های پناهنده به آثار بنی اعتماد شبیه نیست، اما ظرافت در پرداختن به موقعیت زنان و نزدیک شدن به احوال درونی آنها امتیازی است که سینمای پناهنده دارد، همان طور که سینمای بنی اعتماد همیشه این ویژگی را داشت.